

علم أصول الفقه

٢١

اوامر ٩-٨-٩٥

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ

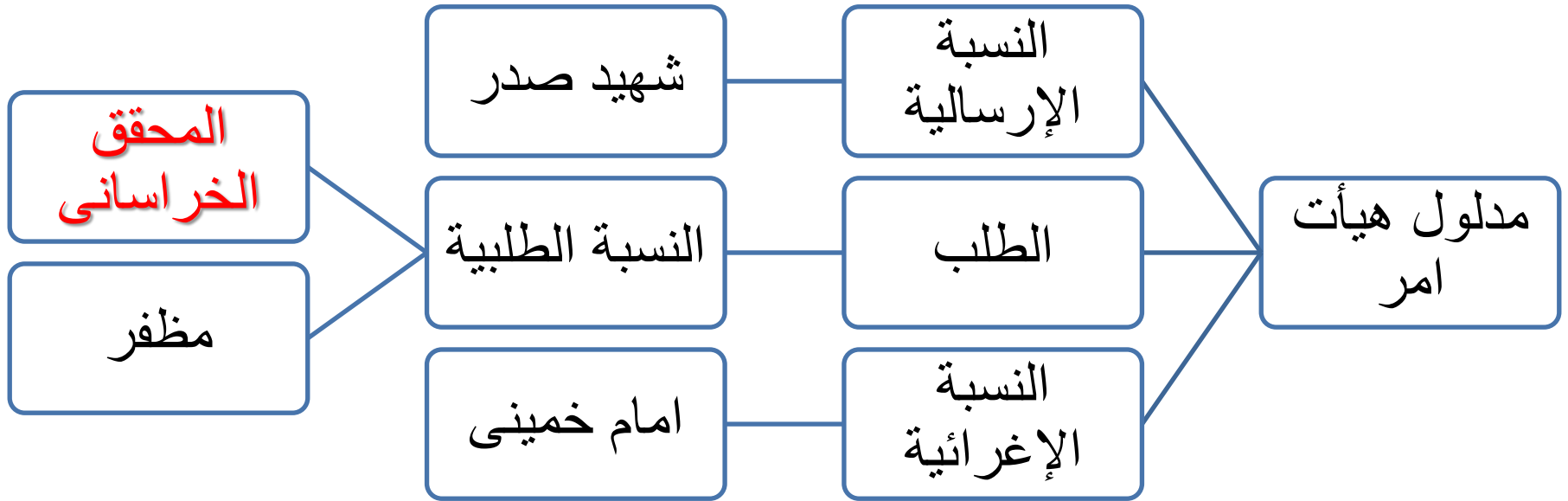


ماده

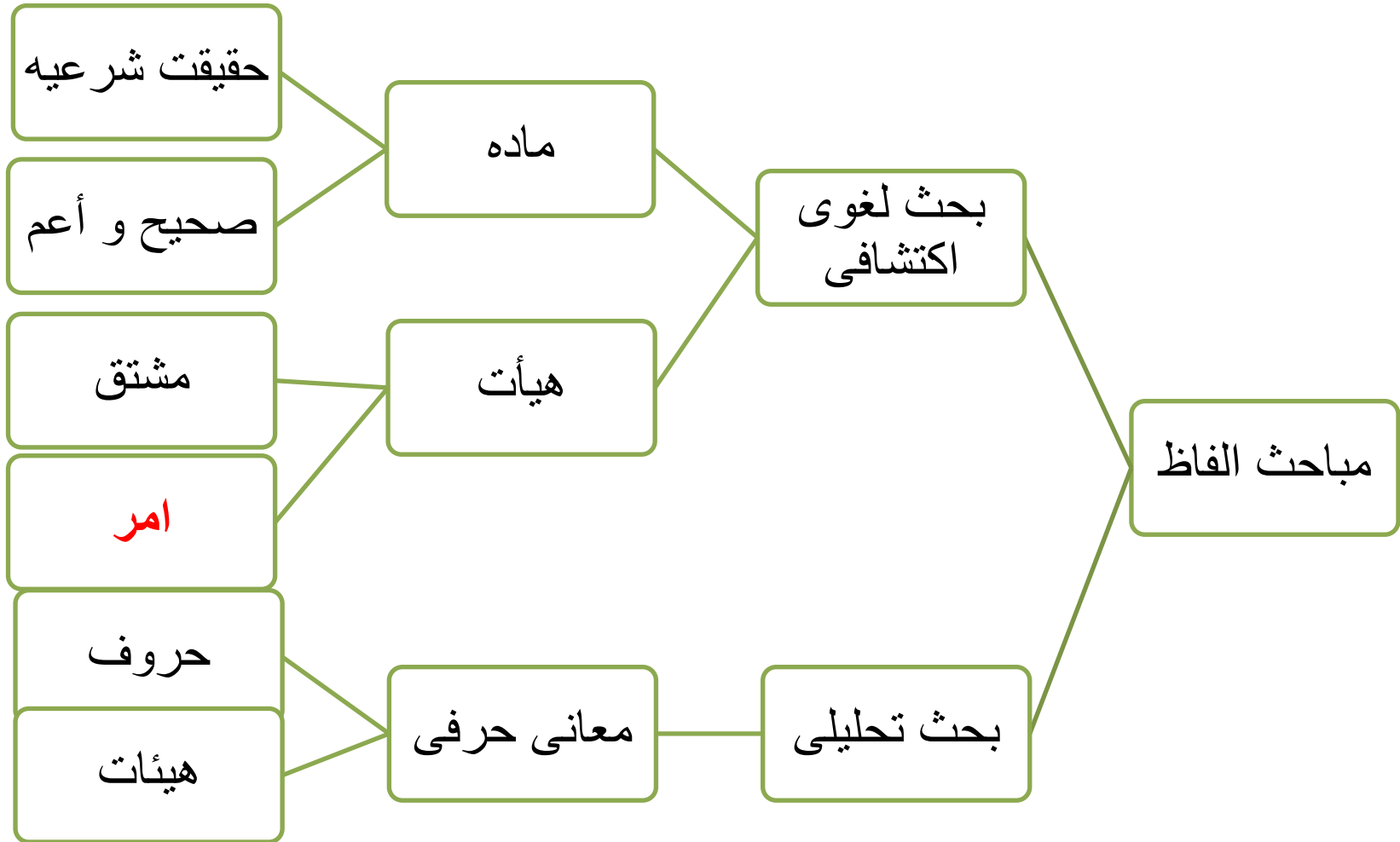
هيأت

امر

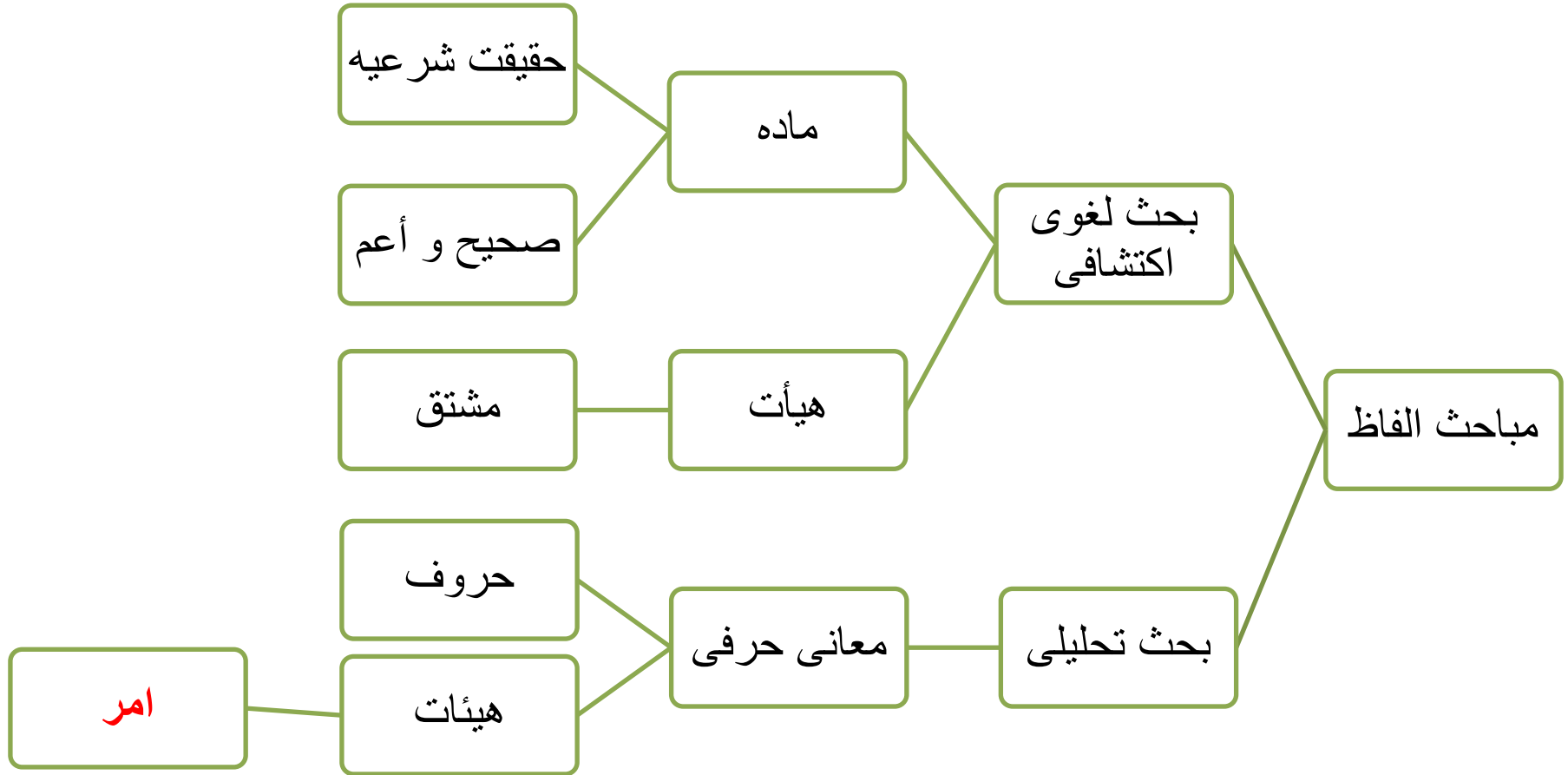
مدلول هيأت امر



۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



منشأ ظهور امر در
وجوب

وضع صیغه امر برای
وجوب

حکم عقل به دلالت امر بر
وجوب

حکم عقلا به دلالت امر بر
وجوب

ظهور امر در وجوب، ظهور
اطلاقی است

نظریه
مشهور

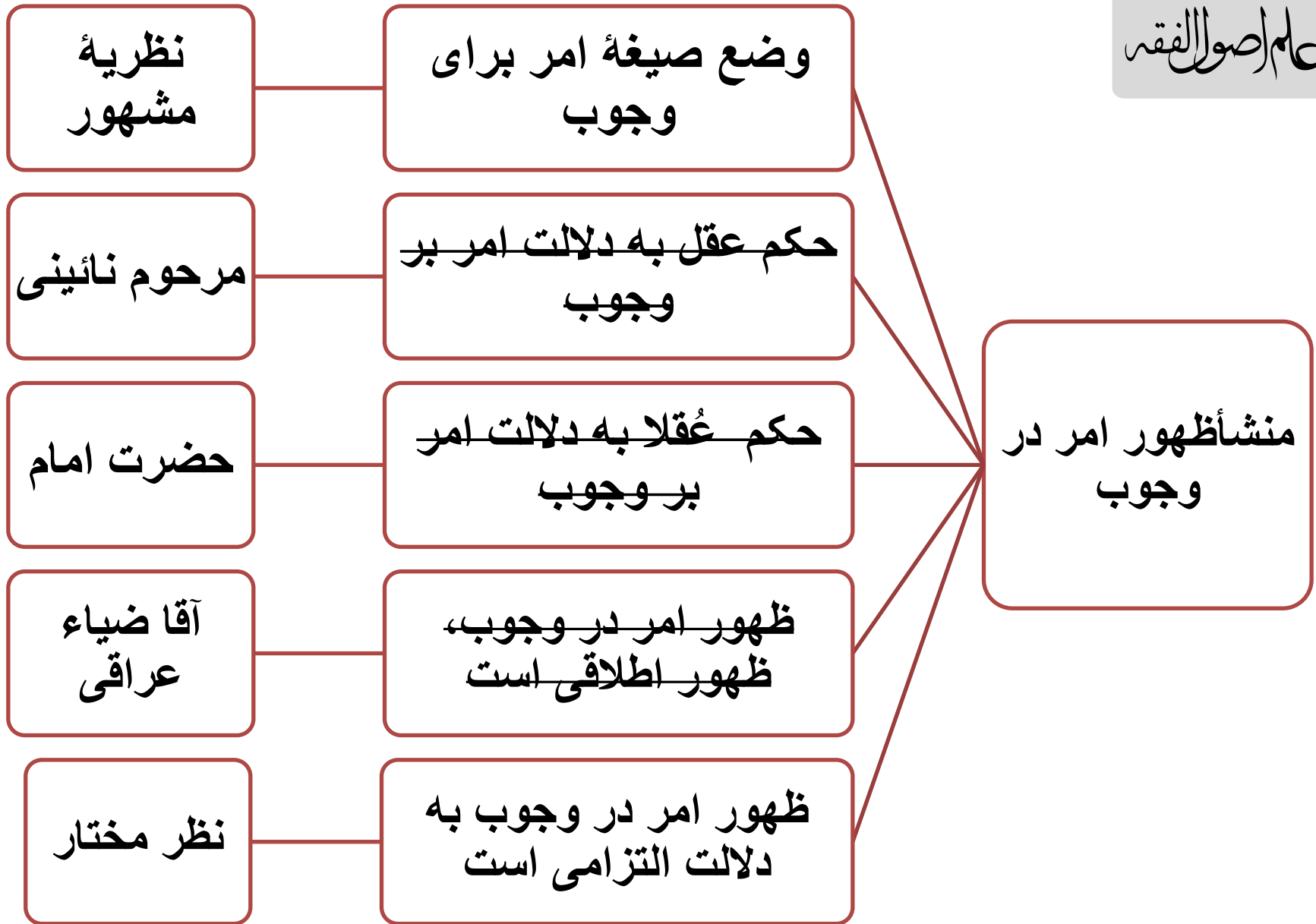
مرحوم نائینی

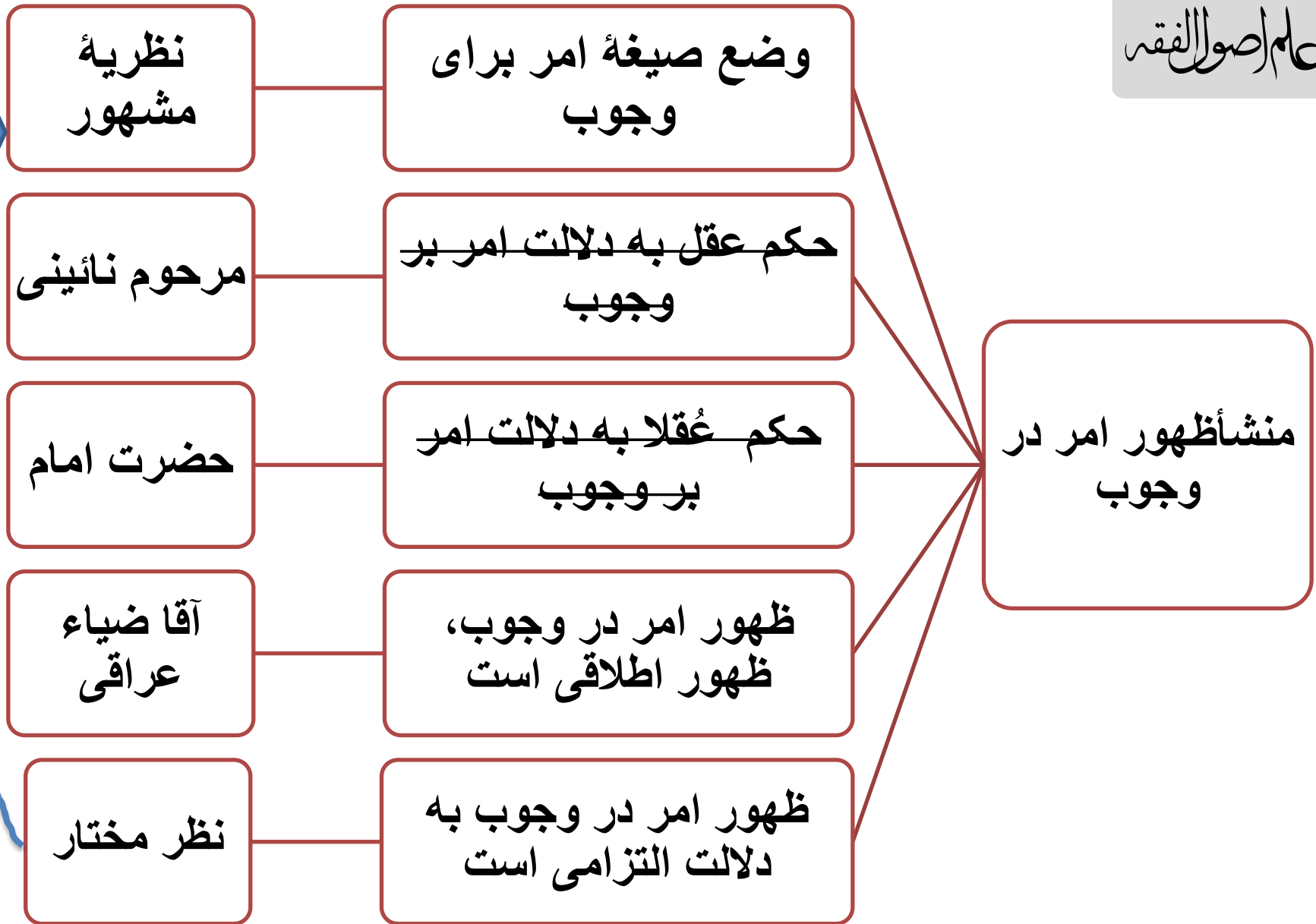
حضرت امام

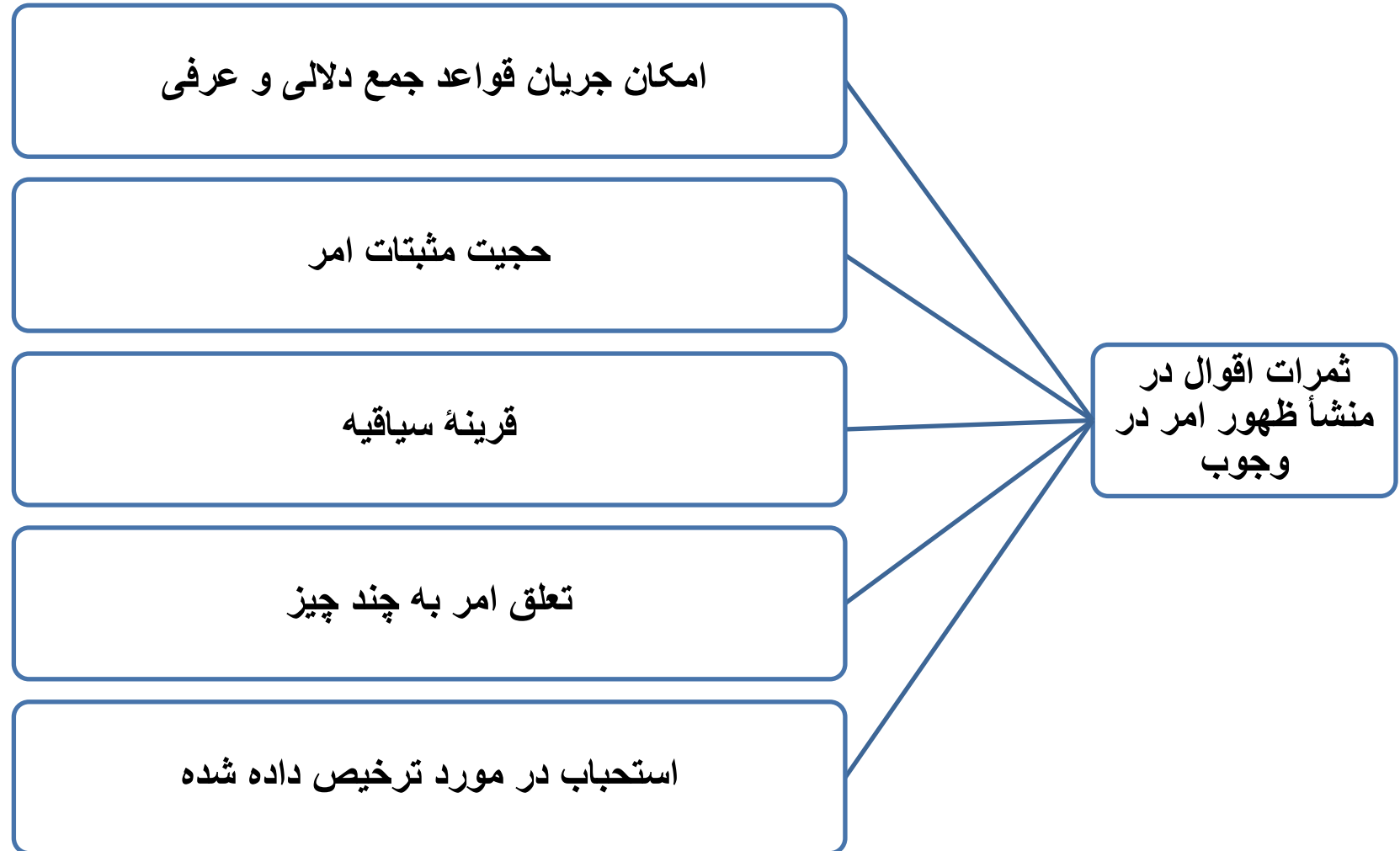
آقا ضیاء
عراقی

استعمال امر در
غیر وجوب
مجازی است.

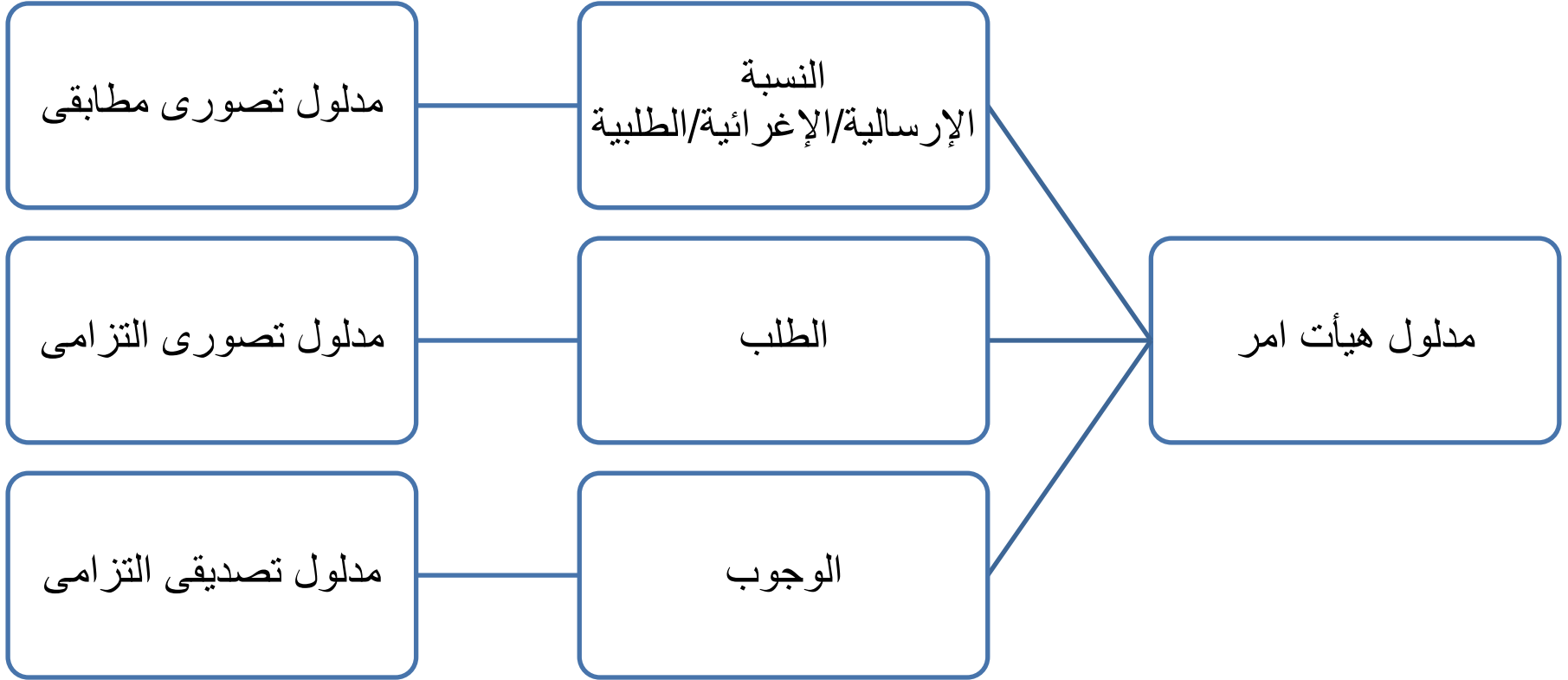
حکم عقل غیر از
حکم عقلا است.



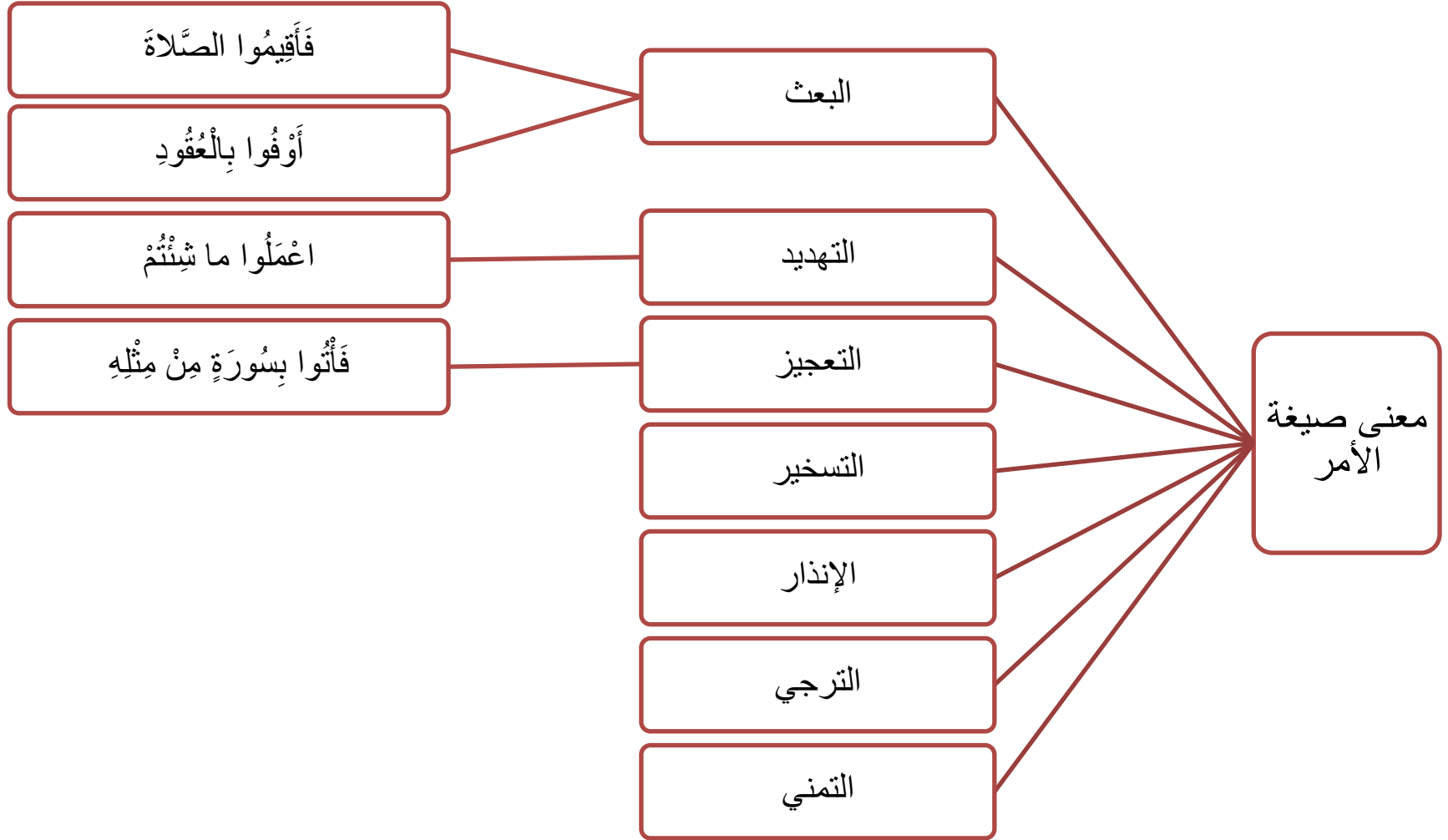




مدلول هيأت امر



استعمال هيأت امر در غير طلب



نتیجه بحث ظهور امر در وجوب

- وجوب مدلول موضوعاً له صیغه امر نیست؛ نه جزء موضوع له (مدلول تضمنی) است نه تمام موضوع له (مطابقی)، بلکه مدلول التزامی صیغه امر محسوب می‌شود.
- با این بیان کاربرد امر در موارد تعجیز یا استهزاء به معنای مجازیت امر نیست. امر در آن موارد در معنای موضوع له خودش استعمال می‌شود که همان بعث است و حداکثر آن است که بعث گاهی به انگیزه طلب، زمانی به انگیزه تعجیز و گاهی به انگیزه استهزاء و جز این انجام می‌گیرد.

نتیجہ بحث ظهور امر در وجوب

- البتہ اگر قرینہ‌ای نباشد، از آنجا کہ طلب، مدلول التزامی بعث است، می فہمیم کہ این امر بہ انگیزہ طلب صادر شدہ است. سایر موارد مثل تعجیز یا استہزاء نیاز بہ قرینہ دارند.
- در مواردی کہ امر برای استحباب بہ کار می رود، نیز مجازی شکل نمی گیرد؛ زیرا امر در همان معنای موضوع لہ خودش یعنی نسبت ارسالیہ بہ کار می رود. البتہ اگر قرینہ‌ای بر استحباب یا وجوب نباشد، معلوم می شود مدلول التزامی اش یعنی سد تمام ابواب مراد است و لازمہ سد تمام ابواب واجب بودن است. اما استحباب نیاز بہ قرینہ دارد.

نتیجه بحث ظهور امر در وجوب

- اساساً تعیین مدلول جدی با کمک قرینه به معنای مجازیت نخواهد بود. مثل این بحث در اطلاق و تقييد یا عموم و خصوص هم وجود دارد. وقتی متکلم بگوید: «أُكْرَمُ كُلِّ عَالِمٍ» معنایش این است که همه علماء را باید اکرام کرد. حال اگر با قرینه منفصل یا متصل گفت: «إِلَّا الْفُسَاقَ مِنْهُمْ» یا «لَا تُكْرَمُ الْفُسَاقُ مِنَ الْعُلَمَاءِ»، نتیجه می‌گیریم که مراد جدی متکلم از عبارت اکرم کل عالم، صرفاً اکرام عالمان عادل بوده است.

نتیجة بحث ظهور امر در وجوب

- در آن بحث هم توضیح می‌دهیم که استعمال عام در معنای مخصّص مجاز نیست؛ زیرا قرینه مخصّص تعیین‌کننده مراد جدی است نه مراد استعمالی و مجاز و حقیقت در مرحله مراد استعمالی مطرح می‌شوند.

نتیجہ بحث ظهور امر در وجوب

- معنای اینکه مراد از اکرم کل عالم عالمان عادل است، این نیست که عالم در این عبارت در خصوص عالمان عادل استعمال شده است تا گفته شود مجاز رخ داده است، بلکه در معنای هر عالمی به کار رفته است و حداکثر ما به کمک تخصیص می فهمیم که مراد جدی متکلم از مستعمل فیه بخش خاصی از آن عالمان است؛ یعنی خصوص عالمان عادل.

نتیجہ بحث ظهور امر در وجوب

- در حقیقت قرینہ، اصل تطابق بین مدلول تفہیمی و مدلول جدی را می شکند و می گوید این دو در اینجا مطابق هم نیستند. اما مدلول تصویری اعم مطابقی و التزامی و نیز اصول جاری در حوزة مدالیل تصدیقی تا قبل از مرحله مدلول جدی به حال خود باقی هستند.

بیان طلب به غیر از امر

- امر در قالب غیر صیغة امر
- گاهی افعال دیگر غیر از امر برای بیان طلب به کار می‌روند. در روایات داریم که معصومین - علیهم السلام - بعضی جاها به جای اینکه صیغة امر را به کار ببرند با فعل مضارع امرشان را بیان می‌کنند؛ برای مثال فردی سؤال می‌کند یک نفر نمازش را فلان طور خواند. آیا صحیح است؟ حضرت می‌فرمایند: «یعيد الصلاة: نمازش را اعاده می‌کند.» بحث کرده اند که چگونه افعال دیگر غیر از فعل امر می‌توانند بر طلب دلالت داشته باشند.

بیان طلب به غیر از امر

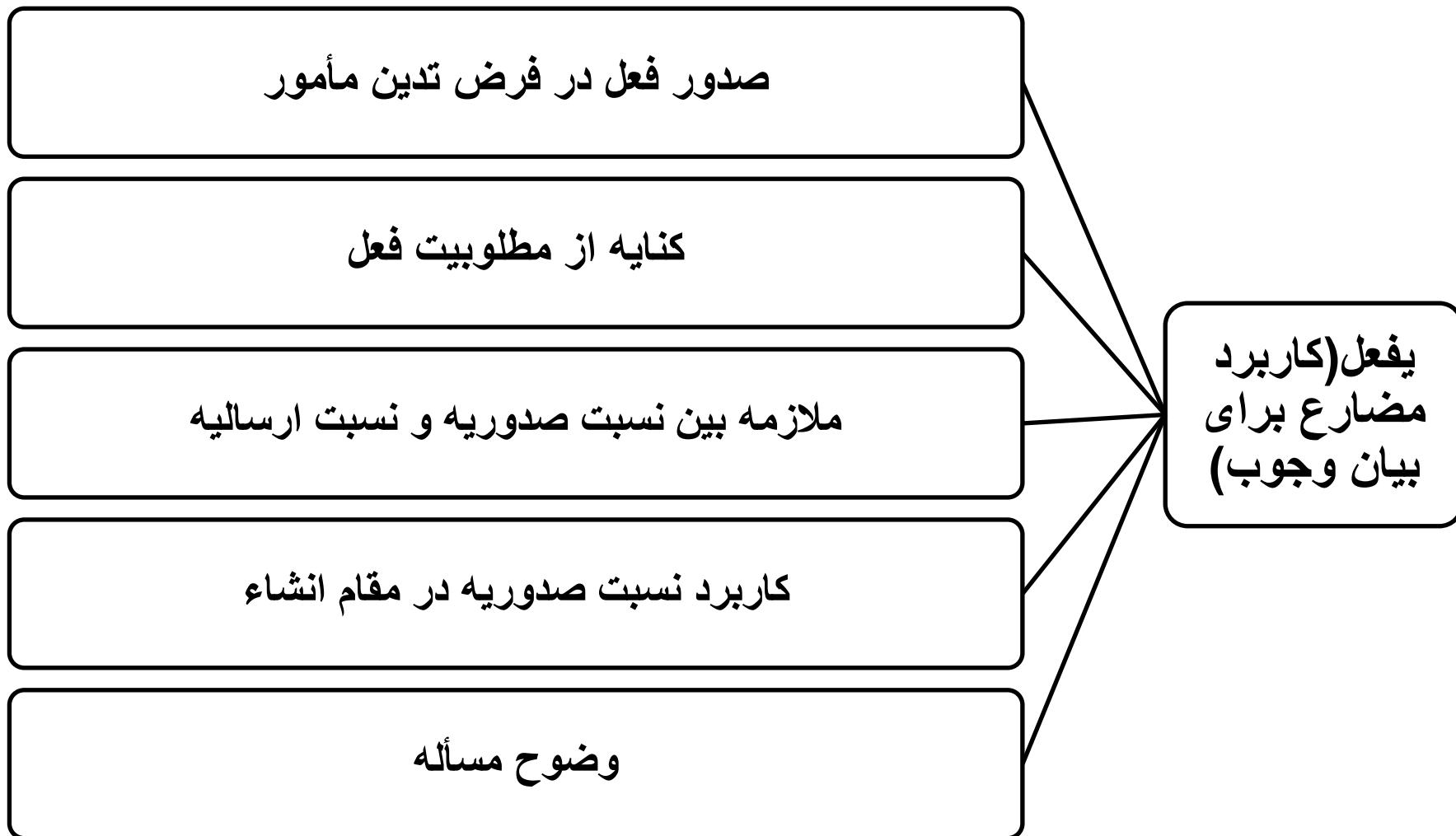
- در مورد سایر افعال گفتیم این‌ها برای نسبت صدوریه وضع شده‌اند و بیان می‌کنند که فعل از فاعل صادر شده است یا می‌شود. این معنا چطور می‌تواند دلالت کند بر اینکه صدور فعل از فاعل، مطلوب متکلم است.

بیان طلب به غیر از امر

- مرحوم آخوند - رضوان الله علیه - نظری را مطرح کردند که تقریباً مورد توافق اصولی‌های متأخر است. می‌فرماید در این گونه موارد فعل در موضوع له خود استعمال شده است و هیچ گونه مجازی در مرحله استعمال وجود ندارد.

بیان طلب به غیر از امر

- یعنی وقتی حضرت می فرماید یعید الصلاة، به لحاظ مدلول استعمالی حضرت صدور فعل اعاده از این شخص را اراده کردند. گویا از چنین صدوری خبر می دهد.
- فرق این عبارت با سایر عبارات خبری در مرحله مراد جدی است. برای بیان این فرق چهار وجه مطرح شده است و حضرت امام - رضوان الله علیه - یک وجه پنجمی مطرح کردند. یکی از این وجوه کافی است برای اینکه یعید الصلاة بتواند در مقام مراد جدی، مَفْهُم معنای طلب باشد.

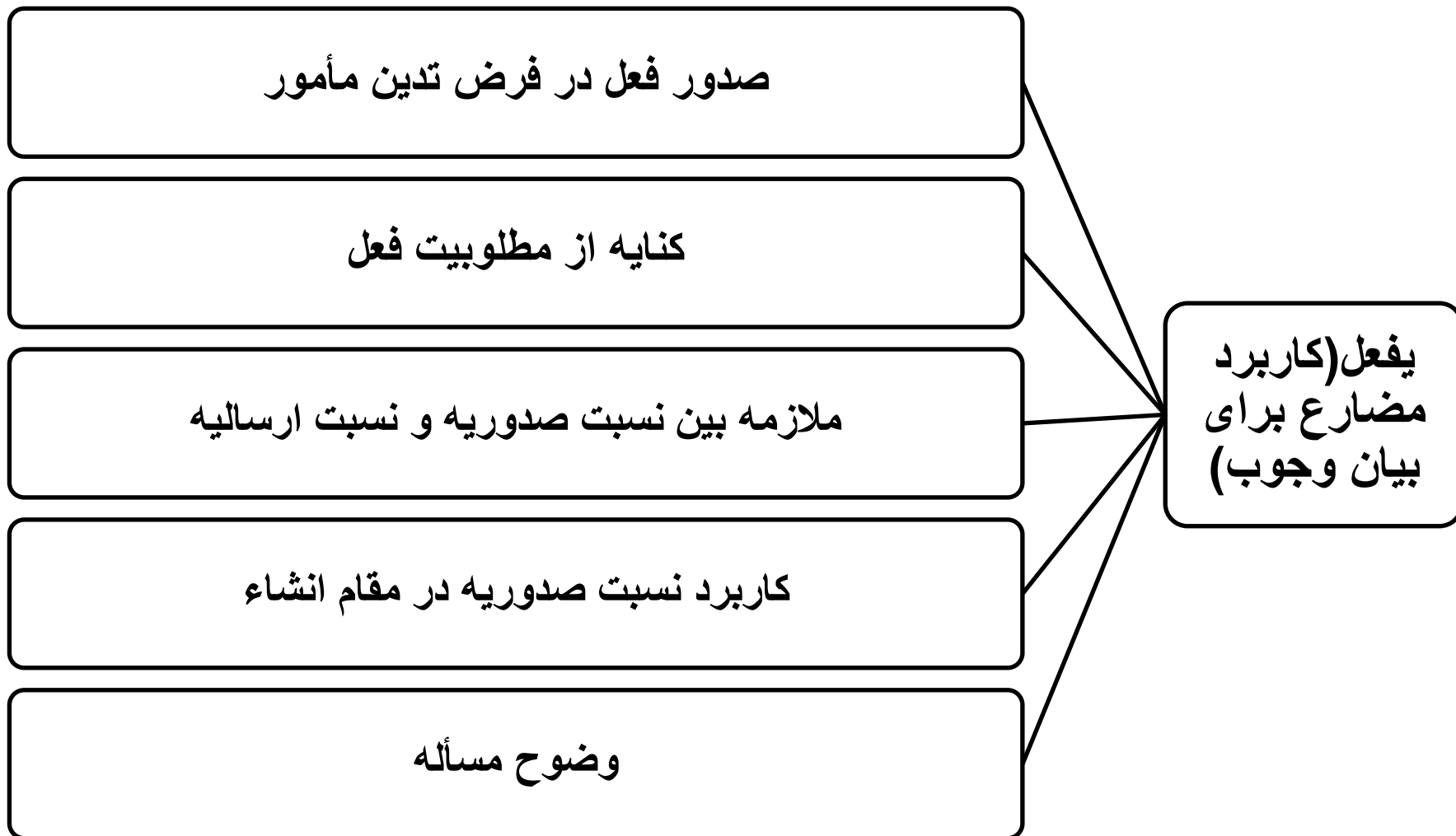


بیان طلب به غیر از امر

- وجه اول
- وقتی امام صادق - علیه السلام - می فرماید یعید الصلاة، بدین معنا نیست که حضرت با علم غیب خود خبر می دهد از یک واقعه خارجی که در آینده رخ خواهد داد، بلکه مراد این است که حضرت می خواهند بفهمند که این آدم اگر فرد متشرعی باشد و به احکام دینی ملتزم باشد، نمازش را اعاده می کند.

بیان طلب به غیر از امر

- این مطلب معنایش این است که اعاده نماز در اینجا یک امر ضروری شرعی است و به همین جهت است که اگر این شخص ملتزم به شریعت باشد، نمازش را اعاده می‌کند.
- در واقع مراد جدی حضرت این است که اعاده نماز در اینجا مطلوبیت شرعی دارد. شهید صدر - رضوان الله علیه - می‌فرمایند بهترین وجه، وجه اول است.

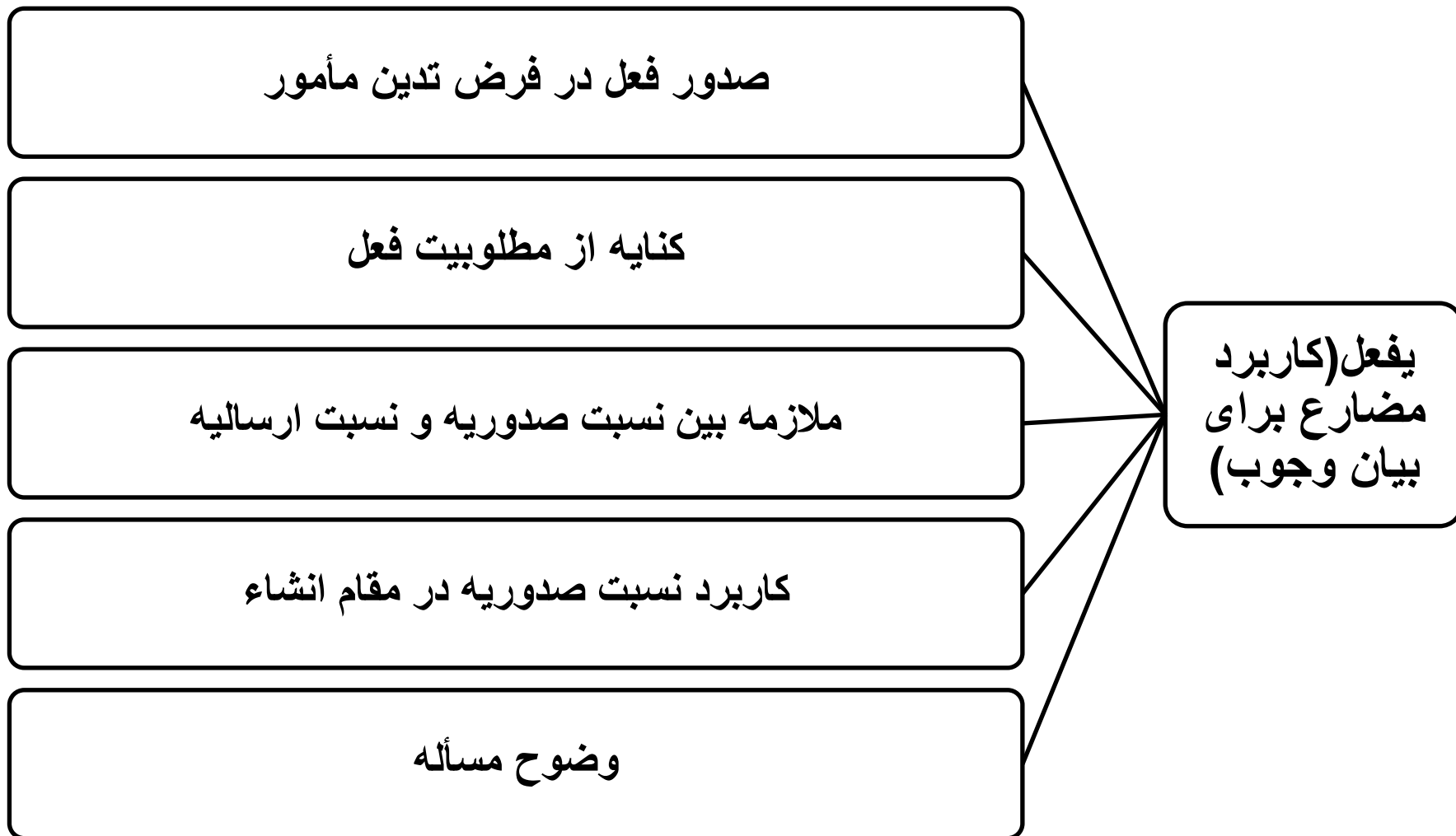


بیان طلب به غیر از امر

- وجه دوم
- جملاتی مثل *یَعِدُ الصَّلَاةَ* کنایه از *مَطْلُوبِیتِ فِعْلِ* هستند. در کنایه لازم را بیان می‌کنیم تا ملزوم فهمیده شود؛ مثلاً می‌گویند: «زید کثیر الرماد: زید خاکستر خانه‌اش زیاد است». این زیادی خاکستر لازم است و گوینده با بیان لازم می‌خواهد ملزوم یعنی مهمان نوازی زید را بفهماند. مراد جدی‌اش بیان ملزوم است. به همین دلیل ممکن اصلاً لازم صادق نباشد و واقعاً رمادی در کار نباشد اما ملزوم صادق باشد و این مقدار خدش‌های در این جمله ایجاد نمی‌کند.

بیان طلب به غیر از امر

- در اینجا که حضرت می فرمایند یعید صلاة در واقع لازم را بیان می کنند تا ملزوم فهمیده شود. یعنی اعاده کردن نماز از سوی این شخص لازمة وجوب اعاده در شریعت است. حضرت لازم را فرمودند تا لازم بفهمانند که این اعاده در شریعت واجب است.



بیان طلب به غیر از امر

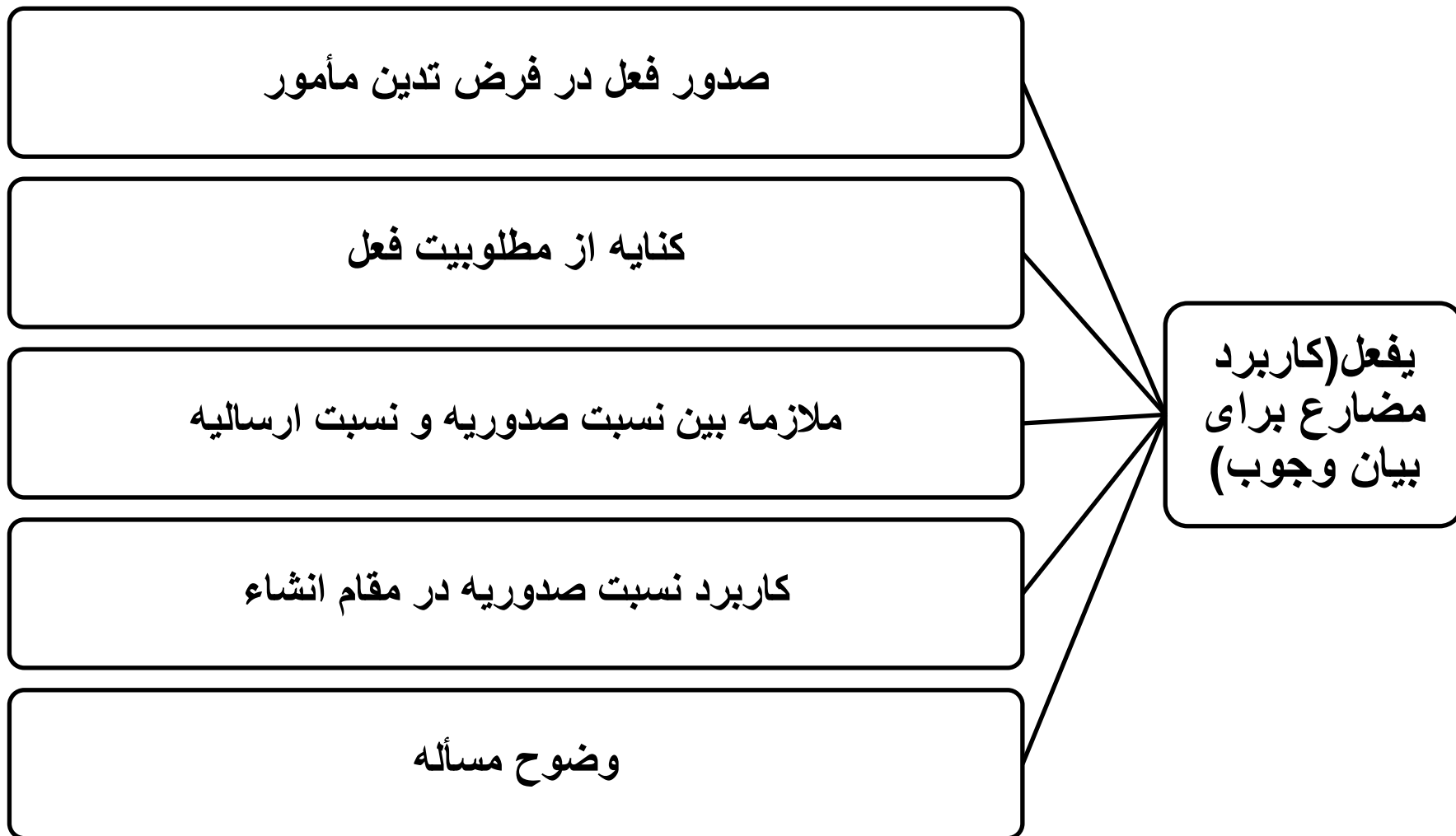
- وجه سوم
- بین نسبت صدوریه و نسبت ارسالیه در این موارد ملازمه‌ای وجود دارد؛ یعنی وقتی که ارسالی باشد، صدوری هم هست. پس وقتی صدور را می‌شنویم، ارسال به ذهنمان می‌آید.

بیان طلب به غیر از امر

- به عبارت دیگر
- اینکه یعنی معمولاً در پی نسبت ارسالیه یک نسبت صدوریه پیدا می شود (صغری)
- و اینکه در پی یک امر، اتیان مأمور به تحقق پیدا می کند، (کبری)
- باعث شده است بین نسبت ارسالیه و نسبت صدوریه یک نوع دلالت التزامی شکل بگیرد به گونه ای که وقتی نسبت صدوریه را تصور می کنیم، نسبت ارسالیه هم به ذهن می آید. (نتیجه)

بیان طلب به غیر از امر

- پس وقتی شارع می گوید: یعید صلاة که مفادش نسبت صدوریه است، مدلول التزامی آن هم به ذهن می آید که اعاده صلاة چیزی است که به آن ارسال شده است.

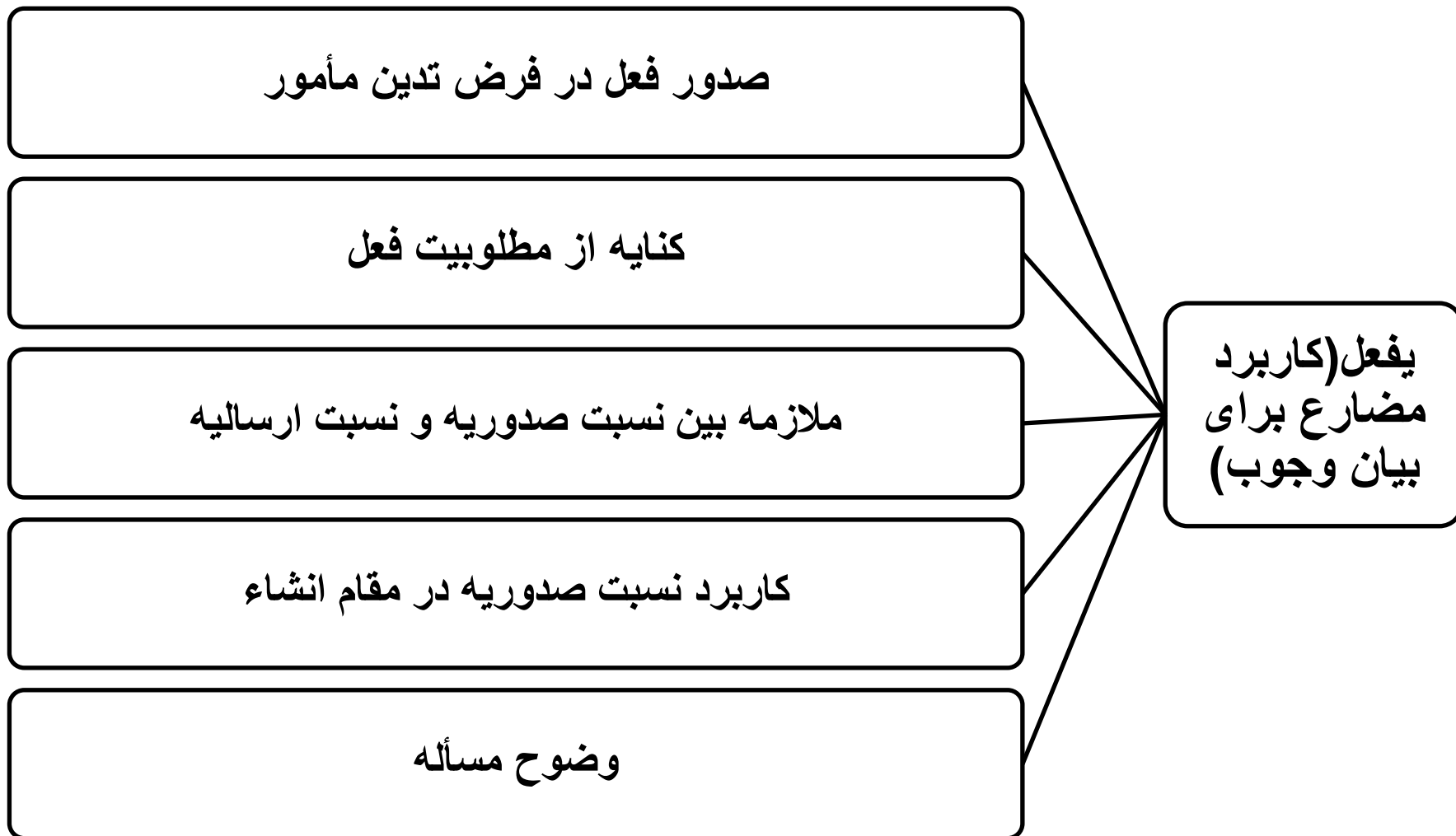


بیان طلب به غیر از امر

- وجه چهارم
- خود نسبت صدوریه در مقام انشاء به کار می رود؛ یعنی مفاد «یعيد الصلاة» نه در مقام اخبار از اعاده نماز باشد، بلکه در مقام انشاء باشد به این معنا که باید این فعل اعاده شود.

بیان طلب به غیر از امر

- بر این وجه اشکال آقای هاشمی - حفظه الله - وارد می شود که لازمه این وجه آن است که انشاء و اخبار تابع مراد جدی باشند و ما بتوانیم هر صیغه‌ای و هر عبارتی را در مقام انشاء به کار ببریم، اگر اراده انشاء کردیم یا در مقام اخبار بکار ببریم، اگر اراده اخبار کردیم در حالی که در واقع، زبان این طور نیست و ما نمی توانیم چنین کنیم.
- انشاء و اخبار از خصوصیات خود لفظ هستند و تابع اراده متکلم نیستند. انشاء و اخبار در مرحله مدلول تصویری هم مطرح اند نه اینکه صرفاً مربوط شود به مراد جدی متکلم.



بیان طلب به غیر از امر

- وجه پنجم
- جایی که شارع به جای امر از مضارع استفاده می‌کند یا به جای ارسال، صدور را بیان می‌کند یا به جای انشاء، اخبار می‌کند، با این کار می‌خواهد بگوید که لزوم و وجوب اتیان این عمل آن قدر واضح است که نیاز به امر کردن ندارد.
- گویا اگر عقل این آدم سالم باشد، همان عقلش کافی است که بفهمد اعاده این نماز لازم است.

بیان طلب به غیر از امر

- دقت کنید مقصود این نیست که حکم عقلاً واضح است و نیاز به بیان شارع ندارد. می‌خواهند بفرمایند وقتی شارع به جای امر از مضارع استفاده می‌کند، این معنی را القاء می‌کند که این مسأله کاملاً واضح است و نیاز به بیان امری از سوی شارع ندارد؛ هر چند که ممکن است برای یک فرد خاص واضح نباشد.
- . همان، ص ۵۵ - ۵۶.

بيان طلب به غير از امر

- . همان، ص ۵۷.
- . همان، ص ۵۶.
- . همان، ص ۵۶.
- . مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۱، ص ۲۵۷.